

صلاة المسافر والوطن:

نماز مسافر و وطن:

هذه عبارة الشرائع عن الوطن: (والوطن الذي يتم فيه: هو موضع سكنه واستقراره وكل موضع له فيه ملك أو شبهه - كأرض المقابلة أو الأنفال التي انتفع بها بإذن الإمام - قد استوطنه ستة أشهر متوالية فصاعداً، بشرط أن تكون في الملك دار للسكن).

عبارت زیر در کتاب شرایع در مورد وطن آمده است: (وطنی که نماز در آن کامل است: هر جایی که فرد دارای ملک یا مانند آن (مثل زمین زراعی یا انفالی که با اجازه امام معصوم از آن بهره میبرد) باشد و شش ماه پشت سر هم یا بیشتر در آن مکان سکونت داشته باشد به شرطی که در آن ملک محلی برای سکونت باشد).

س ۱۵۹ / وماذا إذا كانت الدار إرثاً وللشخص حصة فيه، هل تكون داراً للسكن للحكم بكون المكان وطناً؟

پرسش ۱۵۹:

اگر خانه ارثی باشد و شخص سهمی در آن داشته باشد، حکمش چگونه است؟ آیا همین که خانه‌ای برای سکونت است، می‌توان حکم به وطن بودن آن مکان نمود؟

ج / يجوز أن يحكم بأنه وطن له إذا كان قد سكن فيه ستة أشهر متوالية أو أكثر وكانت حصته تصلح ليسكن فيها.

پاسخ:

می‌توان به اینکه آنجا وطنش است حکم نمود در صورتی که شش ماه پشت سر هم یا بیشتر در آن سکونت کرده باشد، و سهم او صلاحیت سکونت در آن خانه را می‌رساند.

س ۱۶۰ / مسقط الرأس هل يعتبر وطناً مع أن سكنه في مكان آخر؟

پرسش ۱۶۰:

آیا با وجود اینکه محل سکونتش در مکانی دیگر باشد، محل تولد، وطن محسوب می شود؟

ج/ مسقط الرأس لا يعتبر وطناً إلا مع تحقق الشروط المذكورة.

پاسخ: محل تولد وطن محسوب نمی شود مگر با محقق شدن شروط گفته شده.

س۱۶۱/ توالي الستة أشهر هل يضر فيها سفره في أثنائها للزيارة مثلاً أو للعمل ثم عودته؟

پرسش ۱۶۱: آیا به سفر رفتن به عنوان مثال برای زیارت یا کار- و سپس بازگشتن، در شش ماه پشت سرهم بودن خللی وارد می کند؟

ج/ لا يضر.

پاسخ: ضرری نمی زند.

س۱۶۲/ هل نية الإعراض عن وطنه ورحيله إلى مكان آخر يؤثر على كون المعرض عنه وطناً من أول يوم الإعراض؟

پرسش ۱۶۲: آیا نیت رفتن از وطنش و کوچ کردنش به مکانی دیگر، تاثیری در وطن بودن مکان نیت شده از اولین روز نیت کردن به رفتن، دارد؟

ج/ الوطن الذي تتحقق به الشروط المذكورة يبقى وطناً وإن هجره، ولا يخرج عن كونه وطناً إلا مع انتفاء الشروط المذكورة. أما المكان الذي هو ساكن ومستقر فيه مع عدم وجود ملك له فيه فيتم فيه، ولكن إن هجره ومّر به في سفره يقصر فيه ولا يقطع سفره.

پاسخ: وطنی که شروط گفته شده در مورد آن محقق شده باشد وطن باقی می ماند اگرچه از آنجا هجرت کرده باشد، و از وطن بودن خارج نمی شود مگر با از بین رفتن شروط یاد شده. اما

مکانی که در آن سکونت و استقرار دارد اگر ملکی در آنجا نداشته باشد، نماز در آنجا کامل است، ولی اگر از آنجا هجرت کند و در سفری از آنجا عبور نماید، نمازش در آنجا شکسته است و سفرش را قطع نمی کند.

س ۱۶۳ / لو لم يعرض عن وطنه السابق ولكنه عاش في مكان غيره سنين ولم يرجع إلى هناك للسكن، فهل يبقى المكان الأول وطناً ؟

پرسش ۱۶۳:

اگر کسی از وطن سابقش روی گردان نشده باشد ولی سالها در مکان دیگری زندگی کرده و برای سکونت به آنجا برنگشته باشد، آیا هنوز مکان اول، وطن محسوب می شود؟

ج / المكان الذي لا يزال يسكنه ويستقر فيه يتم فيه حتى يهجره ويعرض عنه، أما الوطن الذي يتحقق مع الشروط المذكورة فيبقى وطناً يتم فيه إلا مع انتفاء الشروط المذكورة، ولا يضره أنه هجره وأعرض عن السكن فيه.

پاسخ:

در مکان زندگی او مادامی که در آنجا استقرار و سکونت دارد نمازش تمام است تا هنگامی که از آنجا هجرت کند و از آنجا روی گردان شود. اما وطنی که شروط یاد شده در مورد آن محقق شده باشد، وطن او باقی می ماند و نماز در آنجا تمام است مگر هنگامی که شروط مذکور از بین برود؛ و اینکه او از آنجا هجرت کند یا از سکونت در آنجا روی گردان شود، ضرری به وطن بودنش نمی رساند.

س ۱۶۴ / من كان مستأجراً ولم يكن له ملك في المدينة التي يسكن فيها هل يعتبر ذلك وطناً له على الرغم من بقاءه فيه سنين كثيرة ؟

پرسش ۱۶۴:

کسی که مستأجر است و ملکی در شهری که در آن سکونت می کند ندارد، آیا آنجا وطن او به حساب می آید، با وجود اینکه سالها در آن ساکن بوده است؟

ج / مكان سكنه واستقراره يتم فيه ومنذ أول يوم يسكنه ما دام قرر الاستقرار فيه، ولكن إن هجره وأعرض عنه لا يتم فيه إن مر به أثناء

سفره ما دام ليس له ملك فيه مهما كانت مدة سكناه السابق في هذا المكان.

پاسخ:

در مکان سکونت و استقرارش از روز اولی که در آنجا ساکن شده تا زمانی که مقرر کرده در آنجا سکونت کند نمازش تمام است؛ ولی اگر از آنجا مهاجرت کند و از آن مکان روی بگرداند، اگر در طول سفرش از آنجا گذر کند نمازش تمام نیست، در صورتی که در آنجا ملکی نداشته باشد، هر چند سکونت پیشینش در این مکان بوده باشد.

* * *